

فرهنگستان

فرهنگ

شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۴ شماره ۴۵۷۴
فارحکته‌گاندیلی FARHIKHTEGANDAILY.COM
فارحکته‌گانلاین FARHIKHTEGANONLINE

خرید وارنر توسط نتفلیکس چه آتشی در صنعت سرگرمی به پا می‌کند؟

نتفلیکس با ۸۲ میلیارد دلار هالیوود را می‌خورد

نتفلیکس با ۸۲ میلیارد دلار هالیوود را می‌خورد

تبلیغات، اسپانسرها و دیگر درآمدهای این پلتفرم است.
باین همه اوضاع به همین راحتی‌ها هم نیست، HBO بدهی‌های سنگینی دارد که نتفلیکس باید آن را بپردازد و از طرفی حدود ۵۹ میلیارد وام هم نتفلیکس از سه بانک آمریکایی گرفته که باید آن را بپردازد.
باین همه نتفلیکس برای امسال حدود ۱۴ درصد بزرگ‌تر و حجیم‌تر شده و درآمد خود را به ۴۴/۵ میلیارد دلار رسانه است. چیزی نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار بیشتر از سال قبل. این یعنی نتفلیکسس اگر بتواند صرفاً عملکرد فعلی خود را در سال آینده هم تکرار کند، می‌تواند پس از دو سال با بدهی‌ها و مبلغ برداختی برای خریدن HBO را پرداخت کند. این یعنی با وجود آنکه خریدن یک کمپانی نیمه ورشکسته مثل برادران وارنر ریسک به حساب می‌آید؛ اما اینکه رقیب سنتی کنار برود و تمام ظرفیت‌هایش به نتفلیکس منتقل شود یک برد جدی محسوب می‌شود.
حالا در دفتر لوس گاتوس نتفلیکس شامپاین‌ها باز می‌شود و فعلاً بحران‌ها سسر باز نکرده‌اند. آن طرف ماجرا و در دفاتر دیزنی، پارامونت و... مدیران در ترس به سر می‌برد که اگر نتفلیکس موفقیت‌هایش را پس از خرید برادران وارنر هم تکرار کند آن‌وقت قدم بعدی ساراندوس چه خواهد بود؟
آیا می‌خواهد بازار را به سمت شرق گسترش بدهد و از ظرفیت جمعیتی شرق دور استفاده کند یا اینکه سینما را به طور کل از بین می‌برد و پرده‌های عریض را به اندازه‌های تلفن همراه تقلیل می‌دهد. تا اینجا ی کار به‌طورقطع می‌توانیم بگویم موفقیت‌های انیمیشن‌های تولیدشده با کمک شرقی‌ها مثل کره جنوبی، (مانند شکارچیان شیاطین کی‌پاپ) حضور نتفلیکس در شرق را تثبیت کند و همکاری‌هایش با ترک‌ها و ژاپنی‌ها را هم افزایش بدهند.
از طرفی ساراندوس احتمالاً تیغش را بردارد و به جنگ با سینما و فرهنگ ازمدافتاده سینما رفتن برود. فرهنگی که حالا تمام صنعت سرگرمی را در جهان تغییر خواهد داد. حالا ساراندوس در دفترش نشسته و در آخرین بیانیته خود صحبت از ساختن قرن آینده کرده است.
قرنی که به گفته ساراندوس نتفلیکس قصه آن را می‌سازد: «مأموریت ما همیشه این بوده که دنیا را سرگرم کنیم. با ترکیب آرشيو شگفت‌انگیز برادران وارنر از کلاسیک‌هایی مثل Casablanca و Citizen Kane تا محبوب‌های مدرن مانند هری پاتر و Friends با عناوین جریان‌ساز نتفلیکس مانند Stranger Things و KPop Demon Hunters و Squid Game. می‌توانیم این مأموریت را بهتر از همیشه انجام دهیم. با هم می‌توانیم بیشتر از آنچه مردم دوست دارند به آن‌ها ارائه کنیم و مسیر داستان‌گری قرن آینده را شکل دهیم.»

گزینه‌های مختلف برای خرید برادران وارنر طرح می‌شد، گزینه‌های نزدیک به ترامپ هم پا پیش گذاشتند. شاهد مثالش پارامونت است و صندوق سرماه‌گذاری عمومی عربستان؛ تا همین چند ماه قبل، پارامونت به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان پیشتاز رقابت مزایده دیده می‌شد، به خاطر منابع مالی عظیم شرکت و روابط سیاسی‌اش.
دیوید الیسون، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل پارامونت، پسر لری الیسون، سرمایه‌دار بزرگ سیلیکون‌ولی و دوست دونالد ترامپ، رئیس جمهور، است. از طرفی در سفر آخر بن‌سلمان به واشنگتن هم این موضوع طرح شد که ولیعهد آمده تا برادران وارنر را هم به سعودی ببرد.
همین اتفاقات باعث شد، اواخر نوامبر، سه سناتور– الیزابت وارن از ماساچوست، برنی سندرز از ورمونت و ریچارد بلومنتال از کنتیکت (هر سه دموکرات)– نامه‌ای به پنش صدانحصر وزارت دادگستری بفرستد و هشدار بدهند هرگونه اقدام احتمالی وارنر برادرز می‌تواند با «جانب‌داری سیاسی و فساد» آلوده باشد. البته این اظهارات از طرف دموکرات‌ها تا پیش از جدی شدن خرید کمپانی توسط نتفلیکس بود.
وقتی خرید کمپانی توسط نتفلیکس قطعی شد، این جمهوری‌خواه‌ها بودند که صدایشان درآمد. دارل عیسی، نماینده جمهوری‌خواه کالیفرنیا، نامه‌ای به دادستان کل، پم باندی، ارسال کرد و هشدار داد ادغام نتفلیکس با HBO Max شرکتی با «بیش از ۳۰درصد سهم بازار استریم» انحصار ایجاد می‌کند.
این‌سی‌تی‌وی می‌گوید حتی حالا که قرارداد بسته‌شده احتمالاً ترامپ و جمهوری‌خواهان می‌توانند از طریق مراجع قضایی اقدام و سر ماجرای انحصار کار نتفلیکس و ساراندوس را سسخت‌کنند.
باین همه یعدی می‌رسد، کمپانی آمریکایی به این راحتی‌ها از چنین دستاوردی عقب بکشد.

امپراتوری به ۰٫۵ میلیارد مشترک می‌رسد

از نیمه دوم ۲۰۲۶ قرار است تمام کمپانی برادران وارنر به نتفلیکس منتقل شود. این یعنی حدود ۱۲۸ میلیون مشترک HBO می‌روند به حساب نتفلیکس و پلتفرمی که بر اساس آخرین آمارها به تنهایی ۳۳۰ میلیون مشترک دارد با آن میزان مشترکان HBO چیزی حدود ۴۶۰ اشتراک را از آن خود می‌کند. این یعنی اگر حداقل میزان اشتراک پلتفرم‌ها را در نظر بگیریم، تنها نتفلیکس از اشتراک حدود یک میلیارد بیشتر از قبل درآمد خواهد داشت. البته این عدد حداقلی است و می‌تواند تا ۱۱ میلیارد دلار هم افزایش پیدا کند (با توجه به اشتراک‌های وی‌آی‌پی ۲۴ دلاری) و این جدای از درآمدهای حاصل از

ساعت ۴ عصر به وقت تهران و حدود ۷ صبح به وقت پایتخت ایالات متحده، نتفلیکس اعلام کرد بزرگ‌ترین خرید تاریخ صنعت سرگرمی در ایالات متحده را انجام داده. خریدی به ارزش ۸۲٫۷ میلیارد دلار و چیزی حدود ۲۲ میلیارد بیش از پیشنهاد سعودی‌ها برای خرید این کمپانی. رسانه‌های آمریکایی می‌گویند نتفلیکس برای خرید برادران وارنر، وام گرفته و خودش را به قرض انداخته است. اما نتفلیکس دقیقاً چه کاری را خواهد کرد؟

۲۲ میلیارد برای حیثیت آمریکایی

۶ از ماه قبل بعد از کنسل شدن پروژه‌های بپردازان وارنر، بحث فروختن این کمپانی با همه دفتر و دستک‌ها و تمام سریال‌ها و مایملکش پیش آمد. همان زمان دهه‌ا کثیری به این موضوع اعتراض کردند. از بدنه اصلی هالیوود و کارگردانان قدیمی گرفته تا مدیران سابق برادران وارنر؛ جیسون کلایر، مدیرعامل سابق وارنر مدیا گفت: «راهی مؤثرتر از فروش WBD (برادران وارنر) به نتفلیکس برای کاهش رقابت در هالیوود و ایجاد انحصار وجود ندارد.» بنا بر گفته کلایر و بسیاری دیگر از کارشناسان آمریکایی، با خریدن برادران وارنر توسط نتفلیکس چند اتفاق مهم می‌افتد:
۱. اچ‌بی‌او دست دموکرات‌ها می‌ماند.
۲. بازار نمایش خانگی در جهان انحصاری‌تر می‌شود.
۳. بخش مهمی از تولیدات سینمایی در جهان به استریم منتقل یا به طور کل لغو می‌شود.
۴. سینما در جهان کوچک‌تر می‌شود و.
۵. نتفلیکس برای به دست آوردن سود بیشتر سریع تولید مشترک با کشورهای پر جمعیت خواهد رفت و این یعنی پای آسیایی‌ها پیشتر به پلتفرم باز می‌شود. اما مهم‌ترین نکته این معامله تاریخی فقط به همین‌جا ختم نمی‌شود، نتفلیکس با خریدن برادران وارنر، عملاً مع ترامپ دار و دسته‌اش را هم خوابانده و یک پیروزی برای دموکرات‌ها محسوب می‌شود.

دموکرات‌هایی که دیدگاه و نظرانتشان سال‌هاست در سریال‌های نتفلیکس دیده می‌شود و حالا دایره اثرگذاری‌شان را افزایش می‌دهند. اما چرا ماجرا برای ترامپ باید مهم باشد؟ برادران وارنر یکی از مهم‌ترین بنگاه‌های سیاسی ایالات متحده را در خود دارد و تلریزین‌هایی چون CNN تحت مالکیت این ابرشرکت قرار می‌گیرند. برخی بازوهای برادران وارنر به‌قدری بزرگ و اثرگذارند که قرار شد در معامله فروخته نشوند، به‌عنوان مثال قرار بر این شد که مالکیت CNN در این قرار داد منتقل نشود و مهم‌ترین بنگاه خبرپراکنی دموکرات‌ها دست‌خوش تغییرات مدیریتی نشود.
همین چندماه قبل وقتی

خبرنگار گروه فرهنگ
محمدحسین سلطانی
چیز کامرون که معروف حضور است؟ همان کارگردان تاتینیک، آواتار و ترمیناتور. دوهفته قبل میکروفن را گرفتند مقابل صورتش و یکی از تندترین اظهارات کارنامه کاری خود گفت: «نگذارید نتفلیکس به اسکار بیاید.» هفت ماه‌قبل بود که ساکن اصلی دفتر لوس گاتوس نتفلیکس، تد ساراندوس ۶۱ساله حرفی را زد که همه هالیوود به‌عنوان کابوسی در ذهنشان نگه داشته بودند؛ اما جرت نمی‌کردند آن را بر زبان بیاورند؛ کابوسی که باعث شد کامرون از آکادمی درخواست کند فیلم‌های نتفلیکس را بیرون بیندازد. ساراندوس، مدیر اجرایی نتفلیکس، هفت‌ماه قبل در اجلاسیه نیویورک گفت: «سینما رفتن از مدافتاده.» مدیر ۶۱ساله نتفلیکس به همین جمله هم متوقف نشد و آخرین پتک را هم بر پیکر هالیوود کوبید: «این نتفلیکس است که هالیوود را نجات داده.» حرف ساراندوس به مذاق هیچ‌کدام از آن ابرسرماه‌گذاران هالیوودی خوش نیامد، البته صنعت و بازی‌های سرماه‌داری نشان داده‌با خوش آمدن کسی معیارها را خم نمی‌کند. نتفلیکس سه‌ماه قبل از آنکه مدیر اجرایی‌اش این حرف‌ها را پشت‌تربیین بزند، بودجه تولیدات را از ۲/۱۶ میلیارد دلار، رساند به ۱۸ میلیارد، یعنی با بودجه تولیدی نتفلیکس می‌شود حدود ۱۲۰، زوئی پنا (با بودجه تولیدی ۱۵۰ میلیون‌دلاری) ساخت. اوضاع وقتی پیچیده می‌شود که بودجه تولیدی (Content Spend) نتفلیکس را با دیگر ابرشرکت‌های آمریکایی مقایسه کنیم؛ دیزنی (شامل دیزنی‌پلاس، هولو، استودیوهای مارول، پیکسار و شبکه‌ESPN) بودجه‌ای حدوداً ۳۵ میلیارددلاری دارد، کامکست (شامل NBCUniversal، پیکاک (Peacock) و اسکای) بودجه حدوداً ۳۷ میلیارد دلار را تعیین کرده، برادران وارنر دیسک‌اوری (شامل HBO، سرویس مکس (Max)، CNN و استودیوهای وارنر) حدود ۱۶ میلیارد بودجه را کنار گذاشته و پارامونت گلوبال (شامل پارامونت‌پلاس، CBS و نیکلودون) ۱۵/۱ میلیارد دلار را سهم تولید کرده. با این اوصاف تک شرکتی مثل نتفلیکس بیش از ابرشرکت‌هایی برادران وارنر، پارامونت یا ده‌ها زیر مجموعه هزینه می‌کند.
باین همه فمیدن معنای جمله «ما هالیوود را نجات داده‌ایم.» با این عدد و رقم‌ها حاصل نمی‌شود. باید اخبار کمی نزدیک‌تر را بررسی کنیم. منظورمان همین خبری است که کمتر از ۲۴ ساعت قبل نتفلیکس اعلام کرد. حوالی

نتفلیکس با ۸۲ میلیارد دلار هالیوود را می‌خورد

چرا با وجود اهمیت فوتبال برای جامعه ایرانی، تاکنون فیلم‌های شاخص زیادی در این رابطه ساخته نشده است؟

در تپه‌های داوودیه خبری از دوربین و نگاتیو نیست

نیز تمديد شده است. از مستندهای پرتره در مورد بازیکنان و مربیان نامی فوتبال نظیر «مارادونا»، «باچسو»، «رونالدو»، «بکهام»، «مورینیو» و... که بگذریم، وضعیت در مورد آثار بلند داستانی فوتبالی هم خوب است.

— باد به پرچم پرویزخان نمی‌وزد

سال‌ها زمان برد تا مخاطبان سینمای ایران بتوانند طعم واقعی یک اثر سینمایی شسته‌رفته فوتبالی را بچشند. «پرویزخان» اولین ساخته بلند داستانی «علی تقفی» در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و با استقبال خوبی از طرف تماشاگران و منتقدان روبه‌رو شد. فیلمساز در این اثر برهه‌ای از زندگی مرحوم پرویز دهداری و تلاشش برای تغییر تسب در نیم ملی را روایت می‌کرد. تقفی در این اثر توانست خودی نشان دهد و با اشراف بر لوازم کارش، استایل کارگردانی‌اش را در هدایت بازیگران و میزانشن‌های سینمایی به رخ بکشد. ساختار بصری و روایی اثر هم استاندارد و خوب بود و تدوین «حسن حسندوست» کمک ویژه‌ای به دیده‌شدن هرچه بیشتر کار در جشنواره فیلم فجر کرد. با همه این اوصاف، «پرویزخان» اکران عمومی مناسبی را تجربه نکرد و تنها اندکی کمتر از ۳۴ میلیارد تومان فروش کرد و فقط پنجاه‌هزار نفر را به سالن‌های سینما کشاند. اوضاع در مورد اسلاف سینمایی این اثر، یعنی «فوتبالبست‌ها» ساخته «علی اکبر تقفی» و... از این هم بدتر بود و فیلم با وجود حضور چهره‌های سرشناسی چون «علی پروین»، «حمید استیلی»، «افشین پیروانی» و... مورد بی‌اعتنایی مخاطبان فوتبالی و اهالی سینما قرار گرفت. پیش‌تر اشاره شد که سینمای ایران در وضعیت صنعتی قرار ندارد تا به‌واسطه آن بتواند به نیازهای واقعی دوسندارانش پاسخ دهد، ولی سواى بر این، یک مسئله اساسی دیگر هم وجود دارد که به محافظه‌کاری فیلمسازان ما در مواجهه با سوزه‌های فوتبالی بازمی‌گردد. درست در زمان نمایش پرویزخان بود که عده‌ای از بازیکنان مغضوب مرحوم دهداری و حتی کسانی که با وی هم‌دل و همراه بودند برای فیلم شمشیر از رو بسندند و حتی در مواردی تهدید به شکایت کردند آن‌هم در شرایطی که نقش‌های منفی نه با اسامی واقعی خود، بلکه با نام‌های مستعار روی پرده ظاهر شده بودند. پس پرواضح است که کارگردانان و به‌طور کل دست‌اندرکاران سینمای ایران برای بازنمایی داستان‌ها و وقایع فوتبالی دشمنان بسنه است و نمی‌توانند به‌راحتی در مورد چالش‌ها، بز نگاه‌های تاریخی و اتفاقات حساس درون مستطیل سبز تصمیم گرفته و فیلم بسازند.

جام جهانی ۱۹۷۸ و جریان شکست ما در مقابل این تیم در مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۴ می‌توانست تبدیل به یک سوزه اساسی دراماتیک شود، ولی سینماگران ما ترجیح دادند تا واکنشی نسبت به موفقیت‌های فوتبال ایران در میادین بین‌المللی نشان ندهند و همچنان جذابیت را در قصه‌ها و سوزه‌های دیگر دنبال کنند. این رویکرد در حالی مورد وثوق سینمای ما قرار گرفته بود که فوتبال در خاک یک کشور آسیایی دیگر آن‌هم به‌واسطه انیمه سریالی «فوتبالبست‌ها» داشت پا می‌گرفت. ژاپنی‌ها بیش از آنکه قدرتی در فوتبال آسیا پیدا کنند و قهرمان این قاره شوند، زمینه‌های فرهنگی لازم را با این مانگا ایجاد کردند تا در آینده بتوانند نسل جدید ژاپن را برای حضور در مستطیل سبز به سمت این بازی دعوت کنند. این کشور شرق آسیایی تا جایی پیش رفت که میزبانی مشترک جام جهانی ۲۰۰۲ را با کره جنوبی به دست بیاورد و برای چند دوره متوالی بر بام فوتبال آسیا بایستد و آقاییند.

— فوتبال اروپایی، بازنمایی آمریکایی

وضعیت فوتبال و بازنمایی دراماتیک لحظات حساس آن بر پرده سینما در ایران اصلاً قابل مقایسه با آنچه در غرب اتفاق می‌افتد نیست. اروپا مهد فوتبال و سینمای دنیاست و هزارچندگاهی یک فیلم مهم سینمایی در مورد این ورزش و قهرمانان آپیکوین آن ساخته و روانه اکران و سرویس‌های پخش استریم می‌شود. «یونایتد نفرین شده» به کارگردانی «تام هوپر» حضور شکست‌خورده مربی افسانه‌ای فوتبال بریتانیا، «برایان کلاف» در «لیدز یونایتد» را دست‌مایه درام خود قرار داد. فیلم البته با وجود بودجه ۱۰ میلیون دلاری تنها نزدیک به پنج میلیون دلار فروش کرد و در اکران شکست خورد؛ اما به یکی از مهم‌ترین درام‌های ورزشی زمانه خود بدل شد و در میان خوره‌های این ورزش مورد تحویل قرار گرفت. سه‌گانه «گل» که دو فیلم اول آن با استقبال خوبی از طرف مخاطبان هدف مواجه شد فیلم دیگری بود که فوتبال‌دوستان از آن در اقصی نقاط جهان به‌عنوان یک محرک یاد خواهند کرد؛ محرکی که تعداد قابل توجهی از کودکان را از سنین پایین به سمت فراگیری این بازی سوق داد و رؤیای آن‌ها را ساخت. مهم‌ترین محصول تولیدشده در مورد فوتبال اما سریال «تدلاسو» است. به‌هیچ‌وجه اغراق نکرده‌ایم اگر بگویم که تاکنون هیچ فیلم یا سریالی نتوانسته در دنیا به گرد این اثر برسد و نگاه جمعیت مشتاق را به خود خیره کند. تاکنون سه فصل از سریال کم‌دی فوتبالی تدلاسو پخش شده و ساخت فصل چهارم

می‌افتاد. از طرف دیگر، پای موضوعات و سوزه‌های دیگری هم در میان بودند که از نظر فیلمسازان و صاحبان سرمایه پرداختن به آن‌ها نشان‌دهنده تعهد اجتماعی‌شان به مردم بود. از منظر تولیدات ژانری و ژنریک سینمایی نیز آثار جنایی تا پیش از ورود ملودرام‌های فارسی اهمیت زیادی برای سینماگران داشتند و کمتر کسی به فکر ورزش و فوتبال می‌افتاد. از سوزی دیگر، این کشتی بود که در آن روزگار ورزش نخست ملی ما محسوب می‌شد و اگر هم قرار بود فیلمی سینمایی در مورد قهرمانان ملی ساخته شود، نوبت تا سال‌ها به فوتبال و قهرمانان پا به توپ آن نمی‌رسید. محبوبیت کشتی به‌قدری زیاد بود که باعث شد قهرمانان و پهلوانان این ورزش باستانی پس از پایان دوران حرفه‌ای خود، راهی سینما شوند و در این مدیوم نمایشی به ایفای نقش بپردازند. «محمدعلی فردین»، «حبیب‌الله بلور»، «امامعلی حبیبی» از کشتی آزاد و «رضا بیگ‌ایمان‌وردی» به‌عنوان قهرمان کشتی‌کج وارد سینمای سرگرمی شدند، درحالی‌که حتی در دوران اوج فوتبال ایران، یعنی از اواخر دهه چهل تا اواخر دهه پنجاه امکانی برای ورود فوتبالبست‌ها به پرده وجود نداشت. این مسئله فارغ از اهمیت ورزش باستانی کشتی به یک مورد مهم، یعنی پاکرفتن اولین نسل حرفه‌ای فوتبالبست‌ها در عرصه ملی و باشگاهی برمی‌گشت. ایران به‌عنوان نماینده آسیا و اقیانوسیه برای اولین‌بار در سال ۱۹۷۸ به جام جهانی آرژانتین صعود کرد. درست از همان دوران بود که تولیدات موسیقی عامه‌پسند برای حمایت از یاران «حشمت مهاجرانی» در خدمت فوتبال‌دوستان قرار گرفت و فوتبال‌رفته‌رفته اهمیت پیدا کرد. وقتی «عزیز اصلی» دروازه‌بان وقت تیم ملی، تصمیم گرفت چند فیلم سینمایی بازی کند شاید تصور نمی‌کرد که روزی «فوتبال» به سوزه اصلی چند فیلم مهم تاریخ سینمای جهان تبدیل شود.

— بزنگاه‌های تاریخی

و همچنان جای خالی مستطیل سبز

صعود ایران به جام جهانی ۱۹۷۸، تجربه موفق در بازی‌های المپیک ۱۹۷۶ مونترال با صعود به یک‌چهارم نهایی، قهرمانی در ادوار مختلف جام‌ها تل و بازی‌های آسیایی و همین‌طور صعود تاریخی و ناپلونی به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه نقاط دراماتیک فراوانی داشت که سینمای بدنه و تجاری ما می‌توانست با ساخت فیلم نسبت به آن واکنش نشان دهد؛ اما اتفاق خاصی در این‌رابطه نیفتاد. برای نمونه شکست تاریخی استرالیا برابر ایران در مقدماتی

خبرنگار گروه فرهنگ
ایمان عظیمی
برگزاری دربی حتی با وجود گذشت ۱۰۵ مسابقه و سال‌ها خاطره هنوز جذابیت‌های خاص خودش را برای مخاطبان خوره فوتبالی حفظ کرده است؛ به‌طوری‌که تعداد قابل توجهی از مردم کاروبار زندگی‌شان را در روز بازی به زمان دیگری موکل می‌کنند تا شاهد نرمانی تیم محبوب خویش باشند. سؤالی که در این میان پدید می‌آید آن است که «سینما» در مواجهه با فوتبال تاکنون چه گلی سسر خود و سر مخاطبانش زده است؟ تلویزیون چطور؟ از ورود فوتبال به کشور ما بیش از صدسال و از شکل‌گیری رسمی فدراسیون آن ۷۹ بهار است که می‌گذرد. می‌توان گفت وقت‌گذرانی در باب این ورزش– بازی مهیج و به‌غایت سرگرم‌کننده اکنون دیگر بدل به سنتی پو یا دردگیرکننده در میان نسل‌های مختلف شده و آن‌ها فوتبال را نه فقط به‌عنوان مسابقه، بلکه در مقام یک برج‌سب هویتی و به‌منظور تمایز با دیگری در نظر گرفته و مصرف می‌کنند. ساکنان تهران و بیشتر فوتبال‌دوستان از بین «استقلال» و «پرسپولیس» یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهند و اغلب آذری‌زبانان و اهالی اصفهان تراکتوری و سپاهانی‌اند. این دسته‌بندی در مورد تیم‌ها و باشگاه‌های دیگر هم کم‌وبیش صادق است و هرکس بنا به تعلقات قومی و طایفه‌ای‌اش تیم دلخواهش را انتخاب می‌کند. سینما و تلویزیون اما چندان جایی برای مانور باقی نگذاشته‌اند و در حالت بی‌طرفی به سر می‌برند. در واقع هنگامی که تاریخ سینمای ایران را مرور می‌کنیم، درمی‌یابیم که درام ورزشی، خاصه فوتبال جایی در تولیدات آن نداشته است و حتی در حاشیه هم تعریف نمی‌شود. در این گزارش قصد داریم تا دلایل فقدان فیلم‌های فوتبالی در سینما و وزن کم این آثار در شبکه‌نمایش خانگی و تلویزیون را مرور کنیم و با مصادیق و مایه‌ازهای خارجی دلیل اهمیت فیلم‌های ورزشی در صنعت سینما را برشمَریم.

— وقتی فوتبال مسئله نبود

سینما در ایران به شکل نیمه‌صنعتی آن نه در دوران حکومت رضاخان، بلکه چندسسال پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یعنی در نیمه دوم دهه بیست پا گرفت. در آن آام هنوز فوتبال همچون سینما پدیده نوظهوری برای ایرانیان به‌حساب می‌آمد و به همین خاطر کمتر کسی به فکر توپ، تور و دروازه